

ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی قلی پور خانقاه

دکتری مدیریت مالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
mehdi.gholipour@gmail.com

هومن جعفرپور

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، ایران
drhjafarpoor96@gmail.com

مهسا صارمی نیا

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بیرجند، ایران
mha.saremi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۳

چکیده

هدف تحقیق بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. در این تحقیق جهت سنجش کیفیت حسابرسی از معیارهای دوره تصدی، اندازه، تخصص و استقلال حسابرس استفاده شد. صورت-های مالی، گزارش حسابرسان مستقل و یادداشت های همراه صورت های مالی ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در طی دوره مالی ۵ ساله با بهره گیری از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره به کمک نرم افزار Eviews استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که رابطه معناداری بین دوره تصدی و تخصص حسابرس با مدیریت سود وجود ندارد، در صورتیکه اگر از اندازه و استقلال حسابرس به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی استفاده شود نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین اندازه و استقلال حسابرس با مدیریت سود وجود دارد.

واژه های کلیدی: حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی.

۱- مقدمه

کیفیت حسابرسی مستقل بر میزان راستی، درستی و صحت صورت‌های مالی و اطلاعات مالی تأثیرگذار است. تیتمان و ترومن کیفیت حسابرسی را میزان صحت و درستی اطلاعاتی که پس از حسابرسی در اختیار سرمایه گذاران قرار می‌گیرد، تعریف نموده‌اند. در تعریف دیگری، کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس در کشف و گزارش تحریفات با اهمیت و نیز کشف دستکاری انجام شده در سود خالص می‌دانند. پژوهشاتی که به بررسی تأثیر نیاز استفاده کنندگان به حسابرسی با کیفیت پرداخته‌اند، دارای حیطه محدودتری است. اغلب این پژوهشات در این زمینه نظریه علامت‌دهی و هزینه نمایندگی هستند (پاک مرام، ۱۳۹۵).

گزارش‌های مالی به ویژه سودخالص، یکی از مهم‌ترین محصولات نظام حسابداری است. همان‌طور که در بیانیه شماره یک مفاهیم حسابداری مالی بیان شده است، هدف عمده از تدوین گزارش‌های مالی، تهیه اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران فعلی، بالقوه و سایر افراد، در تصمیم‌گیری درباره سرمایه گذاری منطقی، اعتباردهی و سایر تصمیم‌های مشابه، مفید باشد.

رسوایی‌های حسابداری و سقوط شرکت‌هایی در آمریکا نظیر انرون و ولدکام و در استرالیا شرکت‌های تل وان، نگرانی‌های جدی را در مورد مدیریت سود، استفاده از سود گزارش شده و مسائل اخلاقی کسانی که این گزارش‌ها را تهیه و حسابرسی می‌کنند، بوجود آورد. سازمان‌های قانون‌گذار در آمریکا بر اساس قوانینی مثل قانون ساربینز اکسلی، مدیران شرکت‌ها را ملزم به تضمین گزارش‌های مالی، توانمند کردن حاکمیت شرکتی و بهبود استقلال حسابرس نمود تا از این طریق، مدیریت سود کاهش و کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

مدیریت سود برای ذینفعان شرکت بسیار مهم است، به ویژه هنگامی که درآمد اغلب به عنوان پیش بینی مناسبی از کیفیت گزارشگری مالی مطرح می‌شود، زیرا تعهدات حسابداری در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی است. با این وجود، ممکن است مطالبات به عنوان پیش‌بینی‌های غیرقابل اعتماد از کیفیت گزارشگری مالی به علت تعصب و دستکاری‌های احتمالی انجام شود. کیفیت حسابرسی نقش مهمی در کاهش مدیریت سود دارد زیرا حسابرسان، وظیفه صدور گواهینامه در مورد اعتبار بیانیه های مالی را انجام می‌دهند. علاوه بر این، از آنجایی که بدهی بر انگیزه‌های مدیریتی و انتخاب نحوه گزارش تأثیر می‌گذارد، ارتباط بین بدهی و

کیفیت گزارشگری مالی به افراد متکی است (سالم الزوبی، ۲۰۱۸).

در واقع سیستم حاکمیت شرکتی به مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و رویه‌هایی اطلاق می‌گردد که تعیین می‌کنند شرکت‌ها به چه نحو و در جهت منافع چه کسانی اداره می‌شوند، لذا هدف از اعمال حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از وجود چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذینفعان مختلف شرکت را فراهم می‌آورد (نوازی، ۱۳۸۷).

همانطور که در تئوری نمایندگی مطرح شده است، مکانیزم‌های نظارتی فرض شده که منافع سهامداران و مدیران را منحرف کند و تضاد منافع و همچنین رفتارهای فرصت طلبانه بعدی را کاهش دهند. به این معنا، جنسن و مکلینگ (۱۹۷۶) کار حسابرسی را به عنوان یک مکانیزم حیاتی در شرکت‌ها توصیف کرده بودند که "برای شناسایی منافع مدیر با منافع صاحبان سرمایه خارجی" نزدیک‌تر است. در نتیجه، کیفیت حسابرسی به عنوان یک مکانیزم نظارتی عمل می‌کند که به بازدارندگی مدیران برای دستکاری سودها کمک می‌کند. نظریه قرارداد پیشنهاد می‌کند که سهامداران محدودیت‌های مبتنی بر حسابداری را برای محدود کردن دستکاری ثروت از طریق این مدیران اعمال می‌کنند. در نتیجه، در سطح بالاتری از بدهی‌ها، بین کیفیت گزارشگری مالی بالاتر و همچنین برای جلوگیری از نقض قرارداد گزارش شده مزایایی وجود دارد (سالم الزوبی، ۲۰۱۸).

انگیزه‌هایی که موجب انجام این تحقیق شد، شامل موارد زیر می‌باشد:

اول، در حسابداری معاصر امروزه به دلیل جهانی شدن در اقتصاد و معیارهای حسابداری به موضوعی توجه شده است که توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. تناقضات در خصوص ویژگی‌های خاصی در نظر گرفته شده تا به طور موثر هماهنگ سازی حسابداری بیشتر شود. دوم اینکه، حتی اگر مطالعاتی در مورد مدیریت سود در ایالات متحده صورت گرفته باشد (رونن و یاری، ۲۰۰۸) پیشنهاد کردند که شیوه‌های مدیریت سود بین کشورها متفاوت می‌باشد. بنابر این، شواهد بین‌المللی می‌تواند به طور مفیدی در توضیح این تفاوت‌ها کمک کننده باشد. در نهایت، علاقه به کیفیت گزارشگری مالی و ارتباط آن با کیفیت حسابرسی در طول زمان، پس از رسوایی شرکت‌های خاص به علت دستکاری حسابداری از طریق مدیریت، افزایش یابد. در واقع، سرمایه گذاران و تعدیل کنندگان اغلب حسابرسان خارجی را برای انجام کار کمتر، مورد انتقاد قرار دهند، زیرا صورت‌های مالی حسابرسی شده گمراه کننده و

و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرسی در کشف تحریف-های با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده، تعریف کرده است. احتمال اینکه حسابرسی تحریف‌های با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرسی و احتمال اینکه حسابرسی تحریف‌های با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به عنوان استقلال حسابرسی تعبیر شده است. این تعریف، کشف نقص، کیفیت حسابرسی را در قالب دانش و توانایی حسابرسی اندازه-گیری می‌کند، درحالی‌که گزارش بستگی به انگیزه‌های حسابرسی برای افشاگری دارد.

حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیش تری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا موسسه‌های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیش‌تری برای کشف اشتباه و تقلب هستند (پیوت و جنین، ۲۰۰۵).

کمیت‌های حسابرسی به عنوان یکی از ساز و کارهای مهم حاکمیت شرکتی، که از طریق اطلاعات مالی بر عملکرد اقتصادی شرکت نقش ایفا می‌کند. نقش اصلی کمیت حسابرسی شرکت‌ها نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی شرکت و نظارت بر کار حسابرسان داخلی و مستقل است (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰).

از دیدگاه حسابرسان، اندازه مؤسسه حسابرسی یکی از ویژگی‌هایی است که بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که مؤسسات حسابرسی بزرگتر، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند، زیرا علاقه‌مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و به دلیل اینکه تعداد مشتریان آنان زیاد است، نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون‌های مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند.

تحقیقات اخیر بیانگر این است که بین نوع صنعت مورد تخصص حسابرسی و کیفیت گزارش حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد. به بیان دیگر، حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند به دلیل داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت می‌توانند حسابرسی را با

غلط در چندین حساب انحصاری تایید شده است. در نتیجه، آیا حسابرسان خارجی به کاهش مدیریت سود کمک می‌کنند یا خیر، که این مسئله‌ای باز است.

این پژوهش شامل بررسی جنبه‌های متعدد اثربخشی کیفیت حسابرسی و تامین مالی بدهی در رابطه با مدیریت سود می‌باشد. با توجه به نقش دوگانه منحصر به فرد بدهی‌ها، پیش بینی شده است که در نهایت باعث ایجاد رابطه‌ی اثربخشی در بدهی‌ها (مثبت و منفی)، صورت گیرد. در صورت کاهش بدهی، شرکت‌ها تمایل دارند هزینه‌های مربوط به بدهی را از طریق گزارشگری مالی بالا نشان دهند. همزمان، شرکت‌ها به احتمال زیاد دستکاری سود را به خطر می‌اندازند زیرا خطر نقض قرارداد یا غیرقابل قبول بودن مطرح می‌شود.

در این مقاله، به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود پرداخته می‌شود. در بخش‌های بعدی مقاله به توضیح پیشینه تحقیق، مبانی نظری، توسعه فرضیه‌ها، جمع‌آوری داده‌ها و روش تحقیق، تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها، یافته‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

خدمات حسابرسی نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران، سهامداران و اعتباردهندگان دارند (ویلنبرگ، ۱۹۹۹) برای ایفای این نقش کیفیت حسابرسی مهم است. در حالی که کیفیت حسابرسی مفهومی است که تعریف‌های متفاوتی برای آن ارائه شده است. دی آنجلو (۱۹۸۱) تعریفی دو بعدی از کیفیت حسابرسی ارائه کرد: (۱) تحریف با اهمیت باید کشف شود و (۲) تحریف با اهمیت باید گزارش شود. به این ترتیب کیفیت حسابرسی تابعی از توان حسابرسی در کشف تحریف و درجه استقلال حسابرسی است. پالمروز (۱۹۸۸) کیفیت حسابرسی را با احتمال این که صورت‌های مالی فاقد تحریف با اهمیت باشد باید تعریف کرد.

کیفیت حسابرسی تحت عنوان ارزیابی بازار حسابرسی تعریف می‌شود «ارزیابی بازار» در واقع عبارت است از: احتمال اینکه حسابرسی هم تحریفات بااهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم صاحبکار را کشف کند و هم تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال این که حسابرسی موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرسی و احتمال این که حسابرسی موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرسی ارتباط پیدا می‌کند (دی آنجلو، ۱۹۸۱). یک تعریف متداول از کیفیت حسابرسی به وسیله دی آنجلو (۱۹۸۱) ارائه شده است. او کیفیت حسابرسی را ارزیابی

اطلاعاتی اعداد حسابداری خواهد شد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱).

مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده‌ی اصول پذیرفته شده حسابداری جهت آوردن سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف شده است. اگر چه مدیریت سود در ادبیات حسابداری پیشنهاد شده، ولی قطعیت نیافته است. عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف از طریق دست کاری انجام می‌گردد. یکی از اهداف دست کاری سود، هموارسازی سود می‌باشد. لذا هموارسازی سود را می‌توان بخشی از مدیریت سود دانست. به دلیل انعطاف در انتخاب روش‌های حسابداری، مدیریت می‌تواند به طور سیستماتیک روی سود گزارش از سالی به سال دیگر جهت هموارسازی سود تأثیر گذارد. لذا هموارسازی سود، نوسانات سال به سال سود را با انتقال سود از سال‌های اوج به سال‌های نزول تعدیل می‌کند (علامه حایری، ۱۳۷۹).

از نظر هپ ورت، هموارسازی سود عملی سفسطه آمیز و رندانه است که در محدوده اصول و استانداردهای حسابداری صورت می‌گیرد. سودهای هموار به دو صورت زیر می‌باشد:

۱) سودهایی که به طور طبیعی هموار است: این نوع از سودهای هموار به جریان‌های سودی اطلاق می‌شود که از فرایندهای عملیاتی ذاتاً هموار به دست می‌آید. بعضی از صنایع هستند که حجم تولید و فروش و قیمت‌ها در این صنایع به طور ذاتی یک روند هموار دارد مثل صنایع برق که معمولاً قیمت ثابتی دارد و با نرخی ثابت رشد دارند.

۲) سودهایی که به طور طبیعی هموار نیستند و عمداً هموار شده اند: این نوع سودها در نتیجه اقدامات و تصمیم‌های مدیریت هموار شده‌اند و به صورت زیر می‌باشند:

الف) هموارسازی واقعی: این نوع از هموارسازی سود توسط مدیریت صورت می‌پذیرد و مدیریت برخی از رویدادها و وقایع اقتصادی را کنترل می‌کند و روی آن تأثیر می‌گذارد. این رویدادهای تحت کنترل مدیریت مثل فروش‌های زودرس یا برعکس آن به تأخیر انداختن فروش، بر جریان وجه نقد تأثیر می‌گذارد. از آنجایی که کنترل رویدادهای اقتصادی (مبادلات)، مستقیماً بر سودهای آتی مؤثر است این نوع هموارسازی را واقعی می‌نامند.

کیفیت بالاتری انجام دهند. افزون بر این، هر قدر مؤسسه حسابرسی تجربه بیشتری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل ایجاد شهرت مثبت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می‌کند (دان و همکاران، ۲۰۰۰). مدیریت سود عبارت است از یک دستکاری آگاهانه و فعال در نتایج حسابداری به منظور ایجاد تغییر در نشان دادن وضعیت تجاری واحد اقتصادی می‌باشد (سولمون و همکاران، ۲۰۰۳). سود حسابداری براساس مبنای تعهدی شناسایی می‌شود. معمولاً استفاده از مبنای تعهدی موجب متفاوت شدن میزان سود عملیاتی گزارش شده با خالص جریان‌های نقدی حاصل از عملیات و گزارش یک سری اقلام تعهدی در صورت-های مالی می‌شود قسمتی از سود حسابداری نقدی می‌باشد. یعنی وجه نقد حاصل از عملیات شرکت (جریان وجه نقد) در داخل این سود قرار دارد، و قسمتی از آن را اقلام تعهدی تشکیل می‌دهند (ثقفی و هاشمی، ۱۳۸۳).

مدیریت سود حالتی است که در آن مدیران واحدهای تجاری، سود را مطابق با میل خود گزارش می‌نمایند و نه مطابق با محتوای اقتصادی فعالیت‌های واحد تجاری (بنی مهد، حساس یگانه و یزدانیان، ۱۳۹۳). مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران به منظور گمراه نمودن برخی از ذینفعان (شامل: سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، دولت، سرمایه‌گذاران و ...) درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تاثیر قرار دادن نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده، وابسته است، با استفاده از قضاوت‌های خود، در گزارش‌های مالی و ساختار مبادلات تغییر ایجاد کنند (علوی طبری و باکری، ۱۳۹۰).

اسکات ، (۲۰۰۹) مدیریت سود را انتخاب رویه‌های حسابداری توسط مدیر تعریف می‌نماید. به عقیده او، هدف مدیر به واسطه این انتخاب آن است تا به اهداف خاصی از جمله دریافت پاداش بیشتر، کاهش نسبت بدهی، کاهش مالیات و کاهش هزینه‌های سیاسی و امثالهم نایل آید.

آرتور لویت، رئیس پیشین کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، مدیریت سود را این گونه تعریف می‌کند: "مدیریت سود عملی است که موجب می‌شود، سود گزارش شده بیشتر منعکس کننده خواسته‌های مدیریت باشد تا عملکرد مالی بنیادی شرکت". اسکپیر (۱۹۸۹) مدیریت سود را به عنوان مداخله هدفمند در فرایند گزارشگری مالی با قصد تحصیل برخی منافع شخصی، تعریف می‌کند. این دو تعریف بر جنبه فرصت طلبانه مدیریت تمرکز دارند؛ یعنی، مدیریت با انگیزه‌های سودجویانه اقدام به مدیریت سود می‌کند و به طور ضمنی بیان می‌کنند که مدیریت سود موجب کاهش محتوای

گول و همکاران (۲۰۰۹)، به بررسی تأثیر تخصص حسابرسی در صنعت بر رابطه بین دوره ابقای حسابرسی و کیفیت سود می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رابطه بین دوره کوتاه مدت ابقای حسابرسی و کیفیت ضعیف‌تر سود برای صاحبکارانی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی می‌شوند نسبت به دیگران، ضعیف‌تر است.

لو (۲۰۰۸)، در پژوهشی به ارتباط بین مدیریت سود و کیفیت سود پرداخته است. نتایج این پژوهش بیان می‌نماید شرکت‌هایی که به مدیریت سود پرداخته‌اند، کیفیت سود نامطلوبی داشته‌اند. اما شرکت‌هایی که به مدیریت سود نپرداخته‌اند الزاماً کیفیت سود خوبی نداشته‌اند، زیرا کیفیت سود تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد.

حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی مستقل و کمیته حسابرسی با مدیریت سود و مدیریت جریان نقدی پرداختند. هدف پژوهش آن‌ها مطالعه رابطه بین کیفیت حسابرسی مستقل و کمیته حسابرسی با مدیریت سود و مدیریت جریان نقدی در شرکت‌هایی که تجدید ارائه داشته‌اند، بود. برای کیفیت حسابرسی از معیار رتبه بندی جامعه حسابداران رسمی ایران، برای مدیریت سود از مدل دجو (۱۹۹۵) و برای مدیریت جریان نقدی از مدل روی‌چادوری (۲۰۰۶) استفاده کردند. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ بوده است. با توجه به محدودیت‌های تعیین شده، نمونه پژوهش شامل ۸۰۷ سال-شرکت بود. یافته‌ها نشان داد شرکت‌هایی که توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی شده‌اند تجدید ارائه اقلام تعهدی (مدیریت سود) کمتری دارند اما شواهدی مبنی بر رابطه کیفیت حسابرسی و تجدید ارائه اقلام نقدی یافت نشد. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن بود که بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود و مدیریت جریان نقدی رابطه معنا داری وجود ندارد.

نیری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۰ به روش حذفی سیستماتی از بین جامعه مورد نظر پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین مدیریت سود و حسابرسی داخلی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد در صورتیکه ارتباطی بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود مشاهده نگردید.

فروغی و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی به بررسی توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی

(ب) هموارسازی مصنوعی: این نوع هموارسازی ناشی از رویداد اقتصادی نمی‌باشد، بلکه از اقدام‌هایی است که اصطلاحاً «دستکاری سود» نامیده می‌شود و تأثیری بر جریان‌های نقدی ندارد. به بیان دیگر، هموارسازی تصنعی سود صرفاً موجب جا به جایی هزینه‌ها و درآمدهای بین دوره‌ی مالی می‌شود (نورانی، ۱۳۸۶).

سالم الزویی (۲۰۱۸)، به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی، تامین مالی بدهی و مدیریت سود در اردن پرداخت و از نمونه‌ای متشکل از ۷۲ شرکت صنعتی در طول دوره انتخاب شده از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ استفاده نمود. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد که کیفیت حسابرسی (دوره تصدی حسابرسی، اندازه، تخصص و استقلال حسابرسی) و تامین مالی بدهی (بدهی کم) توانایی مدیریت سود را کاهش می‌دهد و به نوبه خود کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد و بطور دائمی، بدهی‌های بالا باعث افزایش ریسک مدیریت سود خواهد شد.

کوهن و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی به بررسی خدمات غیرحسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند نتایج یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که کیفیت گزارشگری سود زمانی که حسابرسان خدمات غیرحسابرسی را به واحدهای تجاری ارائه می‌نمایند به هم مرتبط است و خدمات غیرحسابرسی زمانی که حسابرسان اطلاعاتی خاص ارائه می‌نمایند با کیفیت سود ارتباط دارد.

ریچل‌آنگ (۲۰۱۱)، در پژوهشی تأثیر بخش ۴۰۴ قانون ساربنز اکسلی بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌نماید مداخله قانون از طریق پیاده‌سازی قانون ساربنز اکسلی میزان مدیریت سود اعمال شده را کاهش داده است.

اوکانل و کرامر (۲۰۱۰)، به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، خصوصیات هیئت مدیره برخی از سازوکارهای درون سازمانی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی و عملکرد شرکت در کشور ایرلند پرداخته‌اند. در تحقیق مذکور ۷۷ شرکت در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ مطالعه شده است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حضور مدیران غیر موظف و مستقل در هیئت مدیره شرکت‌ها تأثیر مثبتی بر عملکرد و مدیریت سود دارد، ولی اندازه هیئت مدیره تأثیر معناداری بر عملکرد، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی ندارد. همچنین تمرکز مالکیت رابطه معنی داری با مدیریت سود دارد.

پژوهش بر اساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. به منظور بررسی فرضیات تحقیق اطلاعات از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها، سایت کدال و نرم‌افزار ره‌آوردنوبین استخراج شده است و برای سنجش متغیرهای تحقیق از چند مدل رگرسیونی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ پس از اعمال شرایط بوده است. شرایط مذکور به شرح زیر می‌باشد:

(۱) تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۲ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۶ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.

(۲) پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند باشد و طی دوره زمانی مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.

(۳) اطلاعات مالی لازم به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد.

(۴) جزء شرکت‌های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشند.

جامعه نمونه این پژوهش از ۱۲۰ شرکت تشکیل شده است.

۵- متغیرها و مدل پژوهش

در این تحقیق کیفیت حسابرسی به عنوان متغیر مستقل مورد استفاده قرار گرفته است و مدیریت سود به عنوان متغیر وابسته، و متغیرهای کنترل به دو گروه مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های شرکت تقسیم شده‌اند.

مدل رگرسیونی زیر با اقتباس از پژوهش انجام شده توسط سالم الزوبی در سال ۲۰۱۸، جهت سنجش کیفیت حسابرسی و مدیریت سود مورد استفاده قرار گرفت:

$$DAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDTENU_{i,t} + \beta_2 AUDSIZE_{i,t} + \beta_3 AUDSPCIAL_{i,t} + \beta_4 AUDINDF_{i,t} + \beta_5 BRDINDP_{i,t} + \beta_6 BRDFINEXP_{i,t} + \beta_7 ACINP_{i,t} + \beta_8 ACFINEXP_{i,t} + \beta_9 INSTOWN_{i,t} + \beta_{10} FRMSIZE_{i,t} + \beta_{11} FRMGROWTH_{i,t} + \beta_{12} FRMAGE_{i,t} + \beta_{13} ROA_{i,t} + \beta_{14} CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که مدیران توانا تمایل به سرمایه گذاری بیش از حد دارند، نتایج تحقیق نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش تاثیر مثبت توانایی مدیریتی بر سرمایه گذاری بیش از حد می‌گردد.

ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی تاثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت سود پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که توانایی مدیریتی بر ارائه صورت‌های مالی (سود و زیان) تاثیر منفی دارد. بدین معنی که مدیران تواناتر، ارائه مجدد صورت‌های مالی کمتری خواهند داشت و در نتیجه کیفیت سود بالاتری دارند.

انور بایزیدی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت و جهت تعیین کیفیت حسابرسی از دو معیار اندازه‌ی حسابرس و دوره تصدی حسابرس استفاده نمودند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و اندازه‌ی حسابرس، یک رابطه‌ی مثبت ولی غیر معنی‌دار و هم‌چنین بین مدیریت سود و دوره‌ی تصدی حسابرس رابطه‌ی مثبت و معنی داری وجود دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اصلی اول: بین دوره تصدی حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: بین اندازه حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه اصلی سوم: تخصص حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی دارد.

فرضیه اصلی چهارم: بین استقلال حسابرس با مدیریت سود ارتباط منفی وجود دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی می‌باشد. روش شناسی از نوع پس‌رویدادی است، بدین معنا که انجام

اصطلاح	عنوان متغیر	نحوه اندازه گیری
DAC	اقدام تعهدی اختیاری	ارزش مطلق اقدام تعهدی اختیاری با توجه به مدل تعدیل شده جونز
AUDTENU	دوره تصدی حسابرس	اگر حسابرس حداقل برای ۵ سال حسابرسی کرده باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت ۰.
AUDSIZE	اندازه حسابرس	اگر حسابرس سازمان حسابرسی باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت ۰
AUDSPCIAL	تخصص حسابرس	با معیار قدمت حسابرس اندازه گیری می شود

اصطلاح	عنوان متغیر	نحوه اندازه گیری
AUDINDAF	استقلال حسابرسی (هزینه حسابرسی)	نسبت هزینه های حسابرسی به کل هزینه ها
BRDINDP	استقلال هیئت مدیره	نسبت مدیران خارجی (غیر اجرایی) در هیئت مدیره
BRDFINEXP	هیئت مدیره مالی	اگر حداقل یک عضو با تخصص حسابداری و مالی باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت ۰
ACINDP	استقلال کمیته حسابرسی	بخشی از مدیران مستقل (غیر اجرایی) در کمیته حسابرسی
ACFINEXP	تخصص مالی کمیته حسابرسی	اگر حداقل یک عضو با تخصص مالی باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت ۰
INSTOWN	مالکیت سازمانی	نسبت سهام توسط سرمایه گذاران نهادی
FRMSIZE	اندازه شرکت	لگاریتم کل دارایی های شرکت
FRMGRWTH	رشد شرکت	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
FRMAGE	سن شرکت	لگاریتم طبیعی سال هایی که شرکت در فهرست بورس اوراق بهادار بوده است
ROA	بازده دارایی ها	سود قبل از اقلام غیر عادی تقسیم بر کل دارایی ها
CFO	جریان نقدی عملیاتی	نسبت جریان نقدی عملیاتی به کل دارایی ها

۶- تجزیه و تحلیل داده های پژوهش

تحت بررسی محاسبه شود. در جدول زیر آماره های توصیفی متناظر با متغیرهای پژوهش برای معیارهای مرکزی و معیارهای پراکندگی ارائه شده است.

تجزیه و تحلیل توصیفی به بررسی شاخص های مرکزی و پراکندگی داده های تحقیقی می پردازد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا لازم است آماره های توصیفی داده های

جدول شماره ۱. آماره های توصیفی متناظر با متغیرهای پژوهش

ضرب کسیدگی	ضرب چولگی	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانه	میانگین	
3.975	0.361	0.425	-1.234	2.370	0.405	0.324	کیفیت حسابرسی
16.153	2.856	1100.148	0	10202	284.500	705.768	استقلال حسابرسی ^۱
4.6448	-0.686	0.162	0	1	0.600	0.635	استقلال هیئت مدیره ^۲
6.0512	-1.326	0.232	0	1	0.670	0.710	استقلال کمیته حسابرسی ^۳
3.3487	-1.2197	28.379	0	100	79	68.784	مالکیت سازمانی ^۴
3.7447	0.4239	1.372	10.3800	19.0664	14.08	14.1012	اندازه شرکت ^۵
3.115	0.4571	0.382	1.7918	3.8918	2.890	2.871	عمر شرکت ^۶
42.410	-0.903	0.929	-10.3600	7.3100	0.24	0.443	بازده دارایی ها ^۷
60.175	3.421	2565224	-24893942	27323710	143822	639682	جریان نقدی عملیاتی ^۸
155.117	9.6493	0.3922	-1.6602	6.8590	0.1267	0.1773	نسبت جریان نقدی به کل دارایی ها

منبع: یافته های پژوهشگر

نقد عملیاتی و استقلال حسابرسی (هزینه های حسابرسی) شرکت بیشتر از سایر متغیرهای تحقیق می باشد. میانگین به عنوان اساسی ترین معیار مرکزی برای متغیرهای استقلال حسابرسی، اندازه شرکت و جریان نقدی عملیاتی به کران پائین مشاهدات نزدیکتر از کران بالای آن ها می باشد و با عنایت به ضرایب چولگی در متغیرهای مذکور نرمال نبوده و با عنایت به کران مشاهدات اینگونه استنباط می گردد که در بین مشاهدات مربوط به معیار مذکور، مشاهدات دور افتاده وجود

در این پژوهش در دوره مطالعاتی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، در هر سال ۱۲۰ شرکت را مورد بررسی قرار داده ایم بنابراین به طور کلی مورد مطالعه قرار گرفته اند. نتایج جدول فوق بیانگر آن است که تمام اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش مربوط به ۶۰۰ سال - شرکت (۵ × ۱۲۰) به طور کامل استخراج شده و مشاهده گمشده در تحقیق وجود ندارد. در بین متغیرهای تحقیق پراکندگی مشاهدات با توجه به دامنه تغییرات که از تفاضل دو مقدار مذکور حاصل می شود برای معیارهای جریان

بوده و برای بررسی توصیفی آنها لازم است از جداول فراوانی استفاده نمود که در ادامه ارائه شده است.

نتایج جدول فراوانی ۲ نشان می‌دهد که در کمتر از ۲۵ درصد از سال- شرکت‌های مورد مطالعه حسابرس شرکت جزء سازمان حسابرسی بوده است و در ۳۱۰ سال شرکت شرکت هیات مدیره تخصص مالی داشته‌اند و در بیش از ۸۶ درصد از سال شرکت‌های مورد مطالعه دوره تصدی کمتر از ۵ سال می‌باشد. ضمناً بر اساس اطلاعات جمع آوری شده شاخص تخصص مالی کمیته حسابرسی در تمامی موارد عدد یک را دریافت نموده است که این موضوع به منزله داشتن تخصص برای تمامی سال شرکت‌های مورد مطالعه است و به همین دلیل این شاخص متغیر تلقی نشده و از مدل حذف می‌گردد.

دارد؛ انحراف معیار متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که پراکندگی متغیرهای استقلال حسابرسی و جریان نقدی عملیاتی در قیاس با سایر متغیرهای تحقیق بیشتر و متغیر استقلال هیئت مدیره کمترین انحراف معیار و پراکندگی را نشان می‌دهد. ضریب چولگی مشاهدات که معیاری برای تعیین تقارن توزیع داده‌هاست بیانگر آن است که به جزء شاخص های استقلال هیئت مدیره، مالکیت سازمانی، استقلال کمیته حسابرسی و بازده دارایی ها شرکت سایر متغیرها دارای چولگی به سمت راست می باشند. در این پژوهش علاوه بر متغیرهایی که در جدول فوق ارائه شده، متغیرهای دوره تصدی حسابرس $(AUDTENU_{i,t})$ ، اندازه حسابرس $(AUDSIZE_{i,t})$ و هیات مدیره مالی $(BRDFINEXP_{i,t})$ دارای مقیاس اندازه گیری اسمی

جدول شماره ۲. جدول فراوانی برای متغیرهای دارای مقیاس اسمی

متغیر	طبقه بندی	تعداد	درصد
دوره تصدی حسابرس $(AUDTENU_{i,t})$	دوره تصدی حسابرس کمتر از ۵ سال است.	۵۲۰	٪۸۶/۶۷
	دوره تصدی حسابرس بیشتر از ۵ سال است.	۸۰	٪۱۳/۳۳
اندازه حسابرس $(AUDSIZE_{i,t})$	حسابرس شرکت سازمان حسابرسی نمی باشد	۴۵۲	٪۷۵/۳۳
	حسابرس شرکت سازمان حسابرسی می باشد	۱۴۸	٪۲۴/۶۷
هیات مدیره مالی $(BRDFINEXP_{i,t})$	هیات مدیره دارای تخصص مالی نیستند	۲۹۰	٪۴۸/۳۳
	هیات مدیره دارای تخصص مالی هستند	۳۱۰	٪۵۱/۶۷

منبع : یافته‌های پژوهشگر

۷- یافته‌های پژوهش

(پولینگ دیتا بودن داده‌های آماری) است. چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل دیتا بودن داده‌های آماری) پذیرفته می‌شود.

برای ارزیابی رابطه بین ویژگی‌های حسابرس (دوره تصدی حسابرس، اندازه حسابرس، تخصص حسابرس و استقلال حسابرس) با مدیریت سود مدل رگرسیونی زیر را به مشاهدات برازش می‌دهیم.

جدول شماره ۳. آزمون F لیمر برای تعیین روش پانل یا

پولینگ

نوع آزمون	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون F لیمر	2.980139	(115,440)	0.0001
آزمون هاسمن	499.004097	12	0.0001

منبع : یافته‌های پژوهشگر

نتایج آزمون F لیمر در جدول مذکور بیانگر رد فرضیه صفر و وجود ناهمگنی بین مقاطع در سطح ۵ درصد می‌باشد. در واقع بیانگر مناسب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل می‌باشد. بنابراین برای تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده نموده ایم که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

$$DAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AUDTENU_{i,t} + \beta_2 AUDSIZE_{i,t} + \beta_3 AUDSPCIAL_{i,t} + \beta_4 AUDINDF_{i,t} + \beta_5 BRDINDP_{i,t} + \beta_6 BRDFINEXP_{i,t} + \beta_7 ACINP_{i,t} + \beta_8 ACFINEXP_{i,t} + \beta_9 INSTOWN_{i,t} + \beta_{10} FRMSIZE_{i,t} + \beta_{11} FRMGROWTH_{i,t} + \beta_{12} FRMAGE_{i,t} + \beta_{13} ROA_{i,t} + \beta_{14} CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در حقیقت در صورتی که سطح معناداری برای هر یک از ضرایب رگرسیونی در متغیرهای پیش‌بین (مستقل و کنترل) کمتر از ۰/۰۵ باشد متغیر متناظر با آن تاثیر معناداری بر مدیریت سود خواهد داشت. در گام نخست اجرای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون F لیمر می‌توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. فرضیه صفر آماره F مبتنی بر همگن بودن مقاطع

در آزمون هاسمن، فرضیه صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است که نتایج آن در جدول فوق انعکاس یافته است. نتایج بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد شده و اثرات ثابت برای برآورد مدل مناسب است ($p - value = 0/01$). در جدول زیر برآورد ضرایب رگرسیونی برای هر یک از متغیرهای پیش بین مدل رگرسیونی ارائه شده است.

در آزمون هاسمن، فرضیه صفر آن مبتنی بر تصادفی بودن خطاهای برآوردی است که نتایج آن در جدول فوق انعکاس یافته است. نتایج بیانگر آن است که در این مورد فرضیه صفر رد شده و اثرات ثابت برای برآورد مدل مناسب است ($p - value = 0/01$).

جدول شماره ۴. نتایج برازش مدل رگرسیونی متناظر با مدل رگرسیونی شماره (۱)

متغیرها	نماد ضریب	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
ضریب ثابت	β_0	6.411438	0.641750	9.990560	0.0000	
دوره تصدی ($AUDTENU_{i,t}$)	β_1	-0.204441	0.067052	-3.048988	0.0024	معکوس و معنادار
اندازه حسابرسی ($AUDSIZE_{i,t}$)	β_2	0.091583	0.104746	0.874329	0.3824	معنادار نیست
تخصص ($AUDSPCIAL_{i,t}$)	β_3	-0.103904	0.017880	-5.811131	0.0000	معکوس و معنادار
استقلال حسابرسی ($AUDINDF_{i,t}$)	β_4	3.4905	1.8305	1.913681	0.0563	معنادار نیست
مالکیت سازمانی ($INSTOWN_{i,t}$)	β_9	-0.001405	0.001325	-1.060260	0.2896	معنادار نیست
اندازه شرکت ($FRMSIZE_{i,t}$)	β_{10}	-0.074969	0.028568	-2.624266	0.0090	معکوس و معنادار
رشد شرکت ($FRMGROWTH_{i,t}$)	β_{11}	-9019.748	7384.667	-1.221416	0.2226	معنادار نیست
سن شرکت ($FRMAGE_{i,t}$)	β_{12}	-1.610842	0.241016	-6.683542	0.0000	معکوس و معنادار
بازده دارایی ها ($ROA_{i,t}$)	β_{13}	0.091757	0.017886	5.129971	0.0000	مستقیم و معنادار
جریان نقد عملیاتی ($OCF_{i,t}$)	β_{14}	0.066631	0.038672	1.722996	0.0856	معنادار نیست
نتایج کلی مدل	ضریب تعیین تعدیل شده	0.552076		آماره F	6.541499	
	آماره دوربین واتسون	2.391292		سطح معناداری	0.000000	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

ویژگی های حسابرسی به همراه تغییرات متغیرهای کنترلی می باشد. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۲/۳۹ است. چنانچه این آماره مقداری بین ۱/۵ تا ۲/۵ داشته باشد، حاکی از عدم وجود خود همبستگی جملات خطا می باشد. در ادامه به تفکیک با تفسیر ضرایب رگرسیونی فرضیه های پژوهش را تحلیل می نمائیم.

۷-۱- فرضیه اول: بین دوره تصدی حسابرسی با مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

ضریب رگرسیونی متناظر با دوره تصدی حسابرسی $-0/204$ و سطح معناداری مربوط به آن $0/002$ و کمتر از $0/05$ می باشد؛ از طرفی ضریب مذکور منفی است لذا با اطمینان $0/95$ تاثیر دوره تصدی حسابرسی بر مدیریت سود شرکت معکوس و معنادار است ($p - value < 0/05$) و با افزایش شاخص دوره تصدی حسابرسی، میزان مدیریت سود شرکت کاهش می یابد. بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع آوری شده و رد فرض صفر در آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه " دوره

بر اساس مدل اولیه متغیرهای استقلال هیئت مدیره، هیات مدیره مالی، استقلال کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی از مدل کنار گذاشته شده اند و با توجه به اینکه جزء متغیرهای کنترلی محسوب می شوند خللی در تفسیر فرضیه ها رخ نخواهد داد. بر اساس یافته های توصیفی مشخص شده است که متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی در تمامی سال شرکت ها عدد یک را دریافت نموده آید و نمی تواند در مدل قرار داده شود در سایر موارد نیز در بخشی بزرگی از شرکت ها شاخص ها عددی ثابت بوده اند و شرط اساسی برای محاسبه ضرایب در مدل مبنی بر وجود ماتریس معین مثبت برای تحلیل مدل برقرار نبوده و الزام به حذف متغیر می باشد که در این پژوهش نیز انجام شده است. نتایج جدول فوق نشان می دهد که آماره فیششر ($F_{df1,df2} = 6/541$) و بیشتر از آماره متناظر در جدول فیششر می باشد لذا مدل برازش داده شده معنادار بوده و از کارایی قابل قبول برخوردار می باشد. ($p - value = 0/01 < 0/05$). ضریب تعیین در مدل رگرسیونی نشان می دهد که $55/20\%$ تغییرات مدیریت سود شرکت بر اثر تغییرات متغیرهای متناظر با

تصدی حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی دارد " با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌گردد.

۲-۷- فرضیه دوم: بین اندازه حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

نتایج جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که ضریب رگرسیونی متناظر با اندازه حسابرس ۰/۰۹۱۵ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۳۸۲ و بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ لذا با اطمینان ۰/۹۵ تأثیر اندازه حسابرس بر مدیریت سود شرکت معنادار نبوده است ($p - value = ۰/۳۸۲$) و با تغییرات شاخص اندازه حسابرس، تغییر چندانی بر مدیریت سود شرکت ندارد. بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع‌آوری شده و رد فرض صفر، آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه " اندازه حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی دارد " با اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود.

۳-۷- فرضیه سوم: تخصص حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی دارد.

نتایج جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که ضریب رگرسیونی متناظر با تخصص حسابرس ۰/۱۰۳- و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۰۰۱ و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ از طرفی ضریب مذکور منفی است لذا با اطمینان ۰/۹۵ تأثیر تخصص حسابرس بر مدیریت سود شرکت معکوس و معنادار است ($p - value = ۰/۰۰۰۱ < ۰/۰۵$) و با افزایش شاخص تخصص حسابرس، میزان مدیریت سود شرکت کاهش می‌یابد. بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع‌آوری شده و رد فرض صفر در آزمون فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه " تخصص حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی دارد " با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌گردد.

۴-۷- فرضیه چهارم: بین استقلال حسابرس با مدیریت سود ارتباط منفی وجود دارد.

نتایج جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که ضریب رگرسیونی متناظر با استقلال حسابرس ۰-۵ × ۳/۴۹ و سطح معناداری مربوط به آن ۰/۰۵۶ و بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ لذا با اطمینان ۰/۹۵ تأثیر استقلال حسابرس بر مدیریت سود شرکت معنادار نبوده است ($p - value = ۰/۰۵۶$) و با تغییرات شاخص استقلال حسابرس، تغییر چندانی بر مدیریت سود شرکت ندارد.

بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع‌آوری شده و رد فرض صفر، آزمون فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر اینکه " استقلال حسابرس با مدیریت سود رابطه منفی دارد " با اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود.

۸- نتیجه‌گیری و بحث

کیفیت حسابرسی در جهت ارزیابی بازار حسابرسی تعریف می‌شود که در واقع احتمال اینکه حسابرس تحریفات بااهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم صاحبکار را کشف نماید و تحریف بااهمیت کشف شده را گزارش کند. احتمال این که حسابرس موارد تحریف با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند نیز به استقلال حسابرس ارتباط پیدا می‌کند. حسابرسی یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود می‌باشد که اعتقاد بر این دارد، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه می‌کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سودی با کیفیت بالاتر می‌باشند. کیفیت بالای حسابرسی، عملکردهای حسابداری مورد تردید را بیشتر کشف می‌کند به این خاطر که موسسه‌های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباهات و تقلب می‌باشند.

همانطور که در نتایج آزمون فرضیه‌ها مشهود بوده است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد در صورتیکه برای کیفیت حسابرسی از معیارهای دوره تصدی حسابرس و تخصص حسابرس استفاده شود ارتباط معناداری با مدیریت سود نخواهد داشت و فرضیه‌های اول و سوم پژوهش حاضر تأیید می‌شود اما در صورتیکه از معیارهای اندازه حسابرس و استقلال حسابرس جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده شود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و فرضیه‌های دوم و چهارم پژوهش با اطمینان ۰/۹۵ رد می‌شود، که نتایج آزمون فرضیه‌های اول و سوم این تحقیق با پژوهش انور بایزیدی (۱۳۹۰) که در پژوهش خود به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود پرداخته بود یکسان نمی‌باشد ولی نتایج آزمون فرضیه‌های دوم و چهارم پژوهش با یافته‌های بدست آمده توسط انور بایزیدی (۱۳۹۰) یکسان می‌باشد.

در تحقیق سالم الزوبی که در سال ۲۰۱۸ به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی، تامین مالی بدهی و مدیریت سود در اردن پرداخته بود، نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد که در صورتیکه از معیارهای دوره تصدی حسابرس، اندازه، تخصص و استقلال حسابرس برای کیفیت حسابرسی استفاده شود، توانایی مدیریت سود کاهش پیدا می‌کند و ما نیز در این

- * ثقفی، ع. و هاشمی، ع. (۱۳۸۳). بررسی تحلیلی رابطه بین جریان های نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- * حساس یگانه، یحیی، صدیقی، روح اله و حسن زاده، فاطمه. (۱۳۹۶). رابطه کیفیت حسابرسی مستقل و کمیته حسابرسی با مدیریت سود و مدیریت جریان های نقدی، فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ششم، شماره ۲۲، ص ص ۲۴-۱۳.
- * حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۵). تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی، پژوهش های تجربی حسابداری، شماره ۲۰، ص ص ۴۵-۲۳.
- * حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). مفاهیم حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابداری، دوره ۱۹، شماره ۶، ص ص ۳۳-۳۰.
- * خزائی، ایوب، طهرانچیان، امیر منصور، جعفری صمیمی، احمد و طالبلو، رضا. (۱۳۹۶). تاثیر تامین مالی از طریق ابزارهای بدهی بر عملکرد بنگاه های تولیدی در ایران، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۲، شماره ۲، ص ص ۳۱۲-۲۸۷.
- * صدری نیا، محمد، میراسدی، سمانه و روانی، محسن. (۱۳۸۸). روش های مختلف تامین مالی بنگاه های کوچک و متوسط در مراحل مختلف دوره عمر، فصلنامه رشد فناوری، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحات ۲۱-۱۳.
- * علامه حایری، ف. (۱۳۷۹). بررسی میزان ارتباط بین هموارسازی سود و ثروت سهامداران، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پژوهش های تهران.
- * علوی طبری، سید حسین و باکری، آمنه. (۱۳۹۰). مدیریت سود به منظور دستیابی به نقاط مینا، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال سوم، شماره سوم، ص ص ۱۸-۱.
- * فروغی، داریوش، امیری، هادی و ساکیانی، امین. (۱۳۹۴). توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی، پژوهش های تجربی حسابداری، سال ششم، شماره ۲۱، ص ص ۸۹-۶۳.
- * نورانی، حسین. (۱۳۸۶). تاثیر هموارسازی سود بر بازده شرکت ها، ماهنامه حسابداری، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۶، ۱۰-۳.
- * نادری نیری، ناصر؛ معین الدین، محمود و میرمحمدی صدرآبادی، محمد. (۱۳۹۴). "بررسی ارتباط بین حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دوماهنامه حسابرسان داخلی، ۱۳۹۴.
- پژوهش به این نتیجه رسیدیم که ارتباط معناداری بین دوره تصدی و تخصص حسابرسی با مدیریت سود وجود ندارد اما در صورتیکه از معیارهای اندازه و استقلال حسابرسی استفاده شود نتایج پژوهش با تحقیق سالم الزویی مشابه خواهد بود و رابطه معناداری بین اندازه حسابرسی و استقلال حسابرسی با مدیریت سود وجود خواهد داشت.
- در پژوهشی که در سال ۱۳۹۶ توسط حساس یگانه و همکاران با عنوان بررسی رابطه کیفیت حسابرسی مستقل و کمیته حسابرسی با مدیریت سود و مدیریت جریان های نقدی انجام شد. نتایج نشان داد که بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود و مدیریت جریان های نقدی رابطه معناداری وجود ندارد، و ما در پژوهش حاضر به وجود رابطه معناداری بین معیارهای اندازه حسابرسی و استقلال حسابرسی با مدیریت سود دست یافتیم.

فهرست منابع

- * اعتمادی، حسین، مومنی، منصور و فرج زاده دهکردی، حسن. (۱۳۹۱). مدیریت سود چگونه کیفیت سود شرکت ها را تحت تاثیر قرار می دهد؟، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۱۲، ص ص ۱۲۲-۱۰۱.
- * امیری، هادی و محمدی خورزوقی، هاجر. (۱۳۹۱). تحلیل ارتباط بین تامین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ص ۶۱ تا ۸۱.
- * ایزدی نیا، ناصر، گوگردچیان، احمد و تنباکویی، مزگان. (۱۳۹۳). تاثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت سود، پژوهش های حسابداری مالی، ۶ (۳)، ۳۶-۲۱.
- * بنی مهد، بهمن، حساس یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس. (۱۳۹۳). مدیریت سود و اظهار نظر حسابرسی: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۱، ص ص ۳۲-۱۷.
- * پاک مرام، عسگر. (۱۳۹۵). تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام، دانش حسابرسی، سال هفدهم، شماره ۶۸، ص ص ۲۱۹ تا ۲۳۸.
- * تختائی، نصرالله، تمیمی، محمد و موسوی، زهرا. (۱۳۹۰). نقش کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی، حسابدار رسمی، شماره ۱۵، ص ص ۴۵-۵۶.

- * Yeh, Y., Shu, P., Chiu, S., 2013. Political connections, corporate governance and preferential bank loans. *Pac. Basin Finance J.* 21, 1079e1101.

یادداشت‌ها

- ¹ AUDINDAF
² BRDINDP
³ ACINDP
⁴ INSTOWN
⁵ FRMSIZE
⁶ FRMAGE
⁷ ROA
⁸ CFO

- * DeAngelo, L. E. (1981). Auditor independence, 'low balling', and disclosure regulation. *Journal of Accounting and Economics*, 3(2), 113-127.
- * DeAngelo, L. E. (1981). Audit Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*:(3): 183-199
- * Dunn, K. A., Mayhew, B. W., and Morsfield, S. G. (2000). "Auditor industry specialization and client disclosure quality", Working Paper Baruch College and University of Wisconsin.
- * Frank M. Z., Goyal V. K. (2003). Testing the Pecking Order Theory of Capital Structure, *Journal of Financial Economics*, Vol. 67, 217-248.
- * Gul, F. A., Fung, S. Y. K., & Jaggi, B. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47(3), 265-287.
- * Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Agency costs and the theory of the firm. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- * Lo, K., 2008. Earnings management and earnings quality. *Journal of Accounting and Economics* 45, 350-357.
- * Modigliani, F., & Miller, M. (1958). The cost of capital, corporate finance and the theory of investment. *American Economic Review*, 48, 261-297.
- * Myers, S. C., & Majluf, N. S. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 13, 187-221.
- * Palmrose, Z.V. (1988). An Analysis of auditor litigation and audit service quality. *Accounting Review*: 63, 55-73.
- * Paramasivan C., Subramanian T., (2012). *Financial Management*, Published by New Age International (P) Limited, 5th Edition.
- * Piot, Charles and Janin, Rémi. (2005). *Audit Quality and Earnings Management in France*, CERAG & Pierre Mendès France University (Grenoble 2) and Université Pierre Mendès, Working Paper.
- * Ronen, J., & Yaari, V. (2008). *Earnings management insights in theory, practice and research*. New York: Springer.
- * Salem Alzoubi, Ebraheem. (2018). Audit quality, debt financing, and earnings management: Evidence from Jordan, *Journal of International Accounting-Auditing and Taxation*.
- * Schipper, Katherine. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3 (4), 91-102.
- * Scott. W.R.t. (2003). *financial accounting theory*, third (2) edition (Canada:Prentice-Hall)
- * Solomon, j. f., Lin. S.W., Norton, S.D. Solomon, A. (2003). "Corporate governance reform in Taiwan," *Corporate governance: An international Review*.
- * Willenborg, M. (1999). Empirical analysis of the economic demand for auditing in the initial public offering market. *Journal of Accounting Research*: 37, 225-238.